



کرده بود. تدارک برای پیروزی هم‌زمان با متحد ساختن تدریجی متضادترین گروه‌های جامعه فرانسه تحت لوای امید به پیروزی صورت می‌گرفت. تظاهرات «خودانگیخته» شادی دسته‌جمعی، ماه‌ها قبل از آغاز مسابقات تدارک دیده شده بود. تبلیغات عظیم به همان اندازه موجد رویداد بودند که رویداد موجد آنها.

ما قهرمانیم!

صحنه‌های شادمانی مردم حاکی از آن بود که مردم تا چه حد خویش را با برندگان مسابقه یکی می‌پندارند. فوتبالیست‌های فرانسه با شکست دادن برزیل، تیمی را شکست دادند که بهترین تیم فوتبال جهان به‌شمار می‌رود. با جادویی مرموز، کلیه فرانسوی‌ها و حامیان‌شان نیز فوراً در جهان «بهترین» شدند. مردم نعره می‌کشیدند: *ما قهرمان جهان هستیم*. آنها برتری‌شان را بر بهترین تیم، یعنی همان بازندگان که طی آن شب طولانی با صفت‌های ذلت‌بار یاد می‌شدند، اثبات کرده بودند. مردم برای تشدید لذت‌شان انگشتان دست‌شان را یکی یکی بالا می‌بردند تا نتیجه مسابقه را تکرار کنند: یک، دو، سه ... صفر. شادمانی ایشان به بهای اندوه دیگران ایجاد شده بود. طرف مقابل که مغلوب شده بود، گویی دیگر در مدار هستی وجود نداشت، یا اگر وجود داشت تنها برای یادآوری عظمت طرف فاتح بود.

تیم ملی فوتبال فرانسه با تحقق آنچه شاهکاری تاریخی خوانده شد، توانست پشت سر خویش یک مای فرانسوی متشکل از «سفیدها، سیاهان و عرب‌های فرانسوی» پدید آورد. اما این مای پدیده‌ای گذرا بود که با فرو نشستن هیجان عمومی ناپدید شد. سایر رویدادهای ورزشی نیز به همین طریق مردم را گردهم می‌آورند.

البته این تظاهرات شادمانه عمومی ظاهراً بی‌خطر، در واقع حامل تنش‌هایی هستند که گاه رقابت ورزشی را به دستاویزی برای ظهور تبدیل می‌کنند. نباید منشأ خشونت‌هایی را که رویدادهای ورزشی تولید می‌کنند، در جای دیگری جست‌وجو کرد. این خشونت‌ها واضحاً دشمنی را هدف می‌گیرند که مای را تهدید یا تحقیر کرده است. آنچه کینه‌های گروهی را برمی‌انگیزد «دیگرانی» اند که به حمایت از تیم مقابل متعهد هستند.

رقابت ورزشی تولید و هدایت‌کننده هیجان‌ات براساس سلسله‌مراتب برنده - بازنده است. ورزشکاران مسابقه‌دهنده در چشم طرفداران‌شان مظهر انواع استعدادها و محسنات از جمله «نیروی مردانگی» هستند. در عوض، تیم مقابل و هواداران‌شان با انواع عیوب و نقایص قالبی برای «جنس ضعیف» تعریف و تصور می‌شوند.

بنابراین، نتیجه یک رقابت ورزشی در واقع با تحویل استیلای نرینه آمیخته می‌گردد و بدین منوال مسابقه ورزشی بیش از آنکه بازتابی از برادری ادعایی انسان‌ها باشد، نمادی از مبارزه بی‌پایان بین گروه‌های انسان‌هاست. چنین است که شادمانی‌های گروهی ورزشی به آسانی ممکن است به درگیری‌هایی خشن بدل شوند که طی آن «هیچ عملی ناروا نیست».

توپ‌زنی برای

راماچاندارا گوه*

هند و پاکستان

روابطی تنش‌آمیز

دارند. آیا مسابقات

کریکت مردمان این

دو کشور را به هم

نزدیک‌تر می‌سازد یا

آنها را از هم دورتر

می‌کند؟

آلن سیلیتو، رمان‌نویس بریتانیایی نوشته است: «ورزش یکی از ابزارهای زنده نگاه داشتن شوق ملیت‌خواهی در زمان صلح است تا برای زمان جنگ کاملاً آماده باشد». کسانی هم عکس این مطلب را گفته‌اند: ورزش نقشی غیرقابل جایگزین در برطرف ساختن ورطه‌های عدم تفاهم بین ملت‌ها ایفا می‌کند.

هر بار که یک مسابقه کریکت ۱ بین هند و پاکستان برگزار می‌شود، هواداران دو تیم به دشواری می‌توانند دو مسئله غرور ملی و ارزیابی زیبایی‌شناختی مسابقه را از یکدیگر جدا سازند. ظرف پنجاه سالی که از استقلال و سپس جدایی این دو کشور از یکدیگر سپری شده، سه جنگ بین آنها درگرفته است. هنوز نیز جنگی خاموش بین طرفین بر سر منطقه کشمیر ادامه دارد. آیا این دشمنی عمیق سیاسی به میادین کریکت هم کشیده می‌شود؟ اگر آری، تا چه میزان؟

مردم هر دو کشور، این بازی بریتانیایی تبار را به شدت دوست دارند، مردم شبه قاره هند تماشای کریکت را شاید به‌جز سینما رفتن به هر تفریح دیگری ترجیح می‌دهند. مسابقات کریکت در سطح ملی را صدها میلیون نفر در شبه قاره دنبال می‌کنند و بازیکنان تیم‌های ملی مورد احترام بسیار هستند.

تیم‌های ملی کریکت هند و پاکستان طی ۲۵ سال گذشته کمتر با یکدیگر روبه‌رو شده‌اند و بیشتر به مصاف تیم‌های ثالث رفته‌اند. دو تیم از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۸ هیچ دیداری نداشته‌اند. از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۹ به‌طور متناوب شش بار در زمین‌های یکدیگر با هم بازی کردند. از سال ۱۹۸۹ به بعد، دیدارهای دو تیم فقط در میدان‌های «بی‌طرف» مانند

* جامعه‌شناس، تاریخ‌دان و روزنامه‌نگار هندی ساکن بنگلور (هند). وی کتاب‌هایی در زمینه تاریخ اجتماعی و بازی کریکت تألیف کرده است.

فوریه: ۱۹۹۵ پلیس هند در پی بروز خشونت طی دیدار تیم‌های ملی کریکت هند و پاکستان، تماشاگران را متفرق می‌کند.



وطن

«ورزش جدی هیچ ارتباطی با عدل و انصاف ندارد. چنین ورزشی کاملاً در آمیخته با کینه، حسادت، لاف و گزاف، بی‌اعتنایی به همه قوانین و لذتی سادیسمی از تماشا، خشونت است و به عبارت دیگر جنگی است بدون تیراندازی.»

جورج اورول

۱. کریکت نوعی بازی است که در آن دو تیم یازده نفری در زمینی به طول تقریبی ۲۰ متر (۲۲ یارد) که در دو سوی آن منطقه‌هایی کوچک موسوم به گیشه تعبیه شده است، شرکت می‌کنند. هدف بازیکنان هر تیم کسب امتیاز از طریق زدن توپ است، درحالی که بازیکنان تیم مقابل نیز می‌کوشند با سرو کردن و گرفتن توپ و بیرون راندن آنان هنگام دیدن با آنها مقابله کنند.

شیخ نشین شارجه، استرالیا و حتی کانادا صورت گرفته است. اما در اوایل سال جاری، تیم کریکت پاکستان برای بازی به هند سفر کرد.

این دیدار خشم بال چاکرای، سیاستمدار راست‌گرا که حزیش، شیوسنا، اداره شهر مومبئی (بمبئی سابق)، مهد کریکت هند، را به عهده دارد، برانگیخت. وی گفت این که به پاکستان اجازه دهند در خاک هند کریکت بازی کنند اقدامی «ضد میهنی» است، زیرا آن کشور از «تروریسم» در کشمیر حمایت می‌کند. هواداران شیو سنا زمین ورزشگاه دهلی را که قرار بود یکی از دیدارهای «دوستانه» در آن برگزار شود با کلنگ زیر و رو و تهدید کردند اگر بازی کتان پاکستانی جرأت کنند به ورزشگاه بیایند، به آنها حمله خواهند کرد. به هر صورت، دو دیدار در چنای در جنوب هند و در دهلی بین طرفین برگزار شد. تعداد کثیری این بازی‌ها را که تحت تدابیر شدید امنیتی برگزار شد، تماشا کردند و خوش‌بختانه هیچ حادثه‌ای رخ نداد. تیم پاکستان در دیدار چنای برنده شد و تیم هند در دیدار دهلی و تفسیرهای مبسوطی در خصوص بازی عالی دو تیم منتشر شد. سپس دو تیم برای شرکت در نخستین دوره مسابقات کریکت قهرمانی آسیا به کلکته رفتند (تیم سری لانکا نیز به عنوان سومین تیم در این مسابقات حضور یافت). رقابت بسیار فشرده بود و بالاخره پاکستان با یک تصمیم بحث‌برانگیز داور که خطای یکی از بازیکنان نامدار هند به نام ساشین تندولکار را گرفت، برنده اعلام شد. در این هنگام ناگهان انفجار اعتراض صورت گرفت و مردم خشمگین به اقدامات خشن و پرتاب بطری به زمین مسابقه پرداختند. برای مدتی مسابقه متوقف شد و پلیس تماشاگران را از ورزشگاه تخلیه کرد تا آخرین دقایق بازی در ورزشگاه خالی برگزار شود.

آرزوهای بزرگ

بازی کتان تیم‌های کریکت پاکستان و هند چه در میدان مسابقه چه در جای دیگر زبان واحد (هندوستانی) و فرهنگ واحدی دارند. هنگامی که دو تیم به مسابقات جام جهانی می‌روند، محل استقرارشان یکی است. حامیان خیره هر دو تیم مهارت‌ها و تکنیک‌های بازی کتان تیم دیگر را به درستی و عادلانه مورد ارزیابی و تمجید قرار می‌دهند. هر بار که تیم پاکستان با تیم انگلیس یا کشور ثالث دیگری مسابقه می‌دهد، مردم هند از تیم پاکستان حمایت می‌کنند. زمانی که هند در مراحل نخست جام جهانی کریکت در سال ۱۹۹۲ حذف شد و پاکستان توانست جام را فتح کند، واکنش بیشتر هندی‌ها چنین بود: «باز خوب شد که جام را آسیایی‌ها بردند.»

با وجود این، هرگاه تیم‌های دو کشور با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند، ورزش قطعاً پوستین میهن پرستی به تن می‌کند. فتوحات ورزشی، خصوصاً در عرصه کریکت، به جبران شکست در سایر زمینه‌ها می‌آید. هند و پاکستان هر دو کشورهایی فقیر هستند، اما پیروزی در عرصه ورزش می‌تواند به ایجاد حساسی از تعادل در روح نگران میهن پرستان یاری رساند. براساس وضعیت موجود، هند و پاکستان امید چندانی برای پیوستن به جرگه کشورهای ثروتمند جهان ندارند، اما می‌توانند باز هم به

کسب عنوان قهرمانی در بازی‌های جهانی کریکت امیدوار باشند. چنانکه هند یک بار در سال ۱۹۸۳ و پاکستان نیز یک بار در سال ۱۹۹۲ به این موفقیت دست یافته‌اند. این گونه موفقیت در مورد افراد نیز ممکن است، زیرا هر دو کشور دارای بهترین بازی‌کنان کریکت در سطح جهان هستند.

چه در هند چه در پاکستان، بازی کتان خود نخستین اهداف خشونت‌های ملی‌گرایانه‌اند. زمانی که تیم هند تیم پاکستان را در مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی ۱۹۹۶ شکست داد، تیم مغلوب با وحشت به میهن بازگشت. هواداران خشمگین به منزل و اسم اکرم، کاپیتان تیم ملی پاکستان، حمله کردند. نمایندگان مجلس، اعضای دولت را فراخواندند و مدعی شدند که بازی کتان رشوه گرفته و عمداً مسابقه را باخته‌اند. البته روشن است که بازی کتان همه تلاش‌شان را کرده بودند، اما در آن دیدار، تیم مقابل توانسته بود بازی بهتری را صورت دهد.

گروه‌های مهاجر هندی و پاکستانی در سایر کشورها نیز واکنش‌ها و احساس‌هایی مشابه بروز می‌دهند. امارت شارجه از ۱۰ سال پیش مرتباً دوره‌ای از مسابقات کریکت برگزار می‌کند که تیم‌های هند و پاکستان در آن شرکت می‌کنند. تیم‌های کریکت دو کشور از سال ۱۹۹۶ مرتباً در بازی‌های دوره‌ای تورنتو نیز شرکت می‌کنند. واضح است که مهاجران به علت عدم تطبیق کامل با محیط‌های ثانوی‌شان و دل‌تنگی برای میهن، احساسات ملی‌گرایانه شدیدتری دارند. تماشاگران کریکت در شارجه و تورنتو این استدلال را به نحوی بارز اثبات می‌کنند.

سرچشمه این ملی‌گرایی کجاست؟ میهن پرستان افراطی دو طرف و نیز برخی تحلیل‌گران غربی مایل‌اند در پاسخ بگویند: مذهب. اما به باور من، موضوع بیشتر جنبه ارضی دارد تا مذهبی. البته پاکستان کشوری اسلامی است، اما هند نیز دارای تعداد زیادی مسلمان است. وانگهی، بعضی از بهترین بازیکنان کریکت هند همچون محمد اظهرالدین، کاپیتان تیم ملی، مسلمان‌اند. بنابراین، علت شکل‌گیری دشمنی در عرصه کریکت همچون در عرصه‌های دیگر، باید چیز دیگری باشد.

پیامد تجزیه

از دیدگاه پاکستان، هند که کشوری بسیار بزرگ است می‌کوشد هیبت قدرت اول منطقه را به نحوی مبتکرانه ایفا کند. از سوی دیگر، هند هرگز نمی‌تواند از یاد ببرد که پاکستان ثمره تلخ تجزیه است و در طرح اولیه ملی‌گرایی هندی، قرار بود هر دو سرزمین، کشوری واحد باشند. پاکستان که کشوری کوچکتر است می‌کوشد با پیروزی در کریکت، بر هند و وزن سیاسی‌اش فائق آید. اما ملی‌گرایان هند هرگز زیر بار پذیرش موجودیت پاکستان به عنوان یک ماهیت مستقل سیاسی نرفته‌اند. بنابراین، هر پیروزی هند در کریکت اثبات‌کننده این امر است که اقدام برای تجزیه هند، عملی نامشروع بوده است.

پس، آیا لازم است که دیدارهای بیشتری بین تیم‌های کریکت هند و پاکستان برگزار شود؟ آیا کریکت تنش‌ها را کاهش می‌دهد یا هیمن بیشتری برای آتش ملی‌گرایی تهاجمی فراهم می‌آورد؟ متأسفانه نمی‌توان پاسخی دقیق در هیچ یک از دو جهت ارائه کرد. زیرا ورزش به همان اندازه که اتحاد می‌بخشد تفرقه نیز می‌آورد و در این مورد به‌خصوص، کریکت بار توقعات ملی‌گرایی را هم بر دوش گرفته است. این توقعات هنگام رویارویی تیم‌های هند و پاکستان مضاعف نیز می‌شود. بخشی از هواداران دو تیم قادر نیستند کینه‌های سیاسی را از یاد ببرند و آنچه را نهایتاً چیزی جز بازی نیست، بیش از حد جدی می‌گیرند.